



۲۰۱۵/۰۶/۰۸



ولی احمد نوری

برگی از زندگی و آثار استاد عبرالرحمن پژواک بزرگمرد افغانستان به مناسبت بیستمین سال وفاتش



امروز هشتم جون ۲۰۱۵ میلادی بیستمین سال وفات استاد عبدالرحمن پژواک است

این کمینه با همه ارادتمندان و هواخواهان این مرد بزرگ، یکجا شده به روح پر فتوح این مرد قلم راستین و این سیاستدار دانشمند، ورزیده، پرکار و صادق افغانستان درود بی پایان می فرستم و روان پاک وی را آزاد و یادش را گرامی و جاویدان می خواهم.

عبدالرحمن پژواک در سال ۱۹۱۹ میلادی در خانواده قاضی عبدالله خان در دامان بالاحصار تاریخی شهر زیبای غزنه چشم به جهان گشود. همه عمر برای سعادت، خوشبختی و غنای ارزش های ملی افغانستان دم و قدم زد و به روز پنجشنبه ۱۸ جوزای سال ۱۳۷۴ هجری شمسی مطابق به ۸ جون سال ۱۹۹۵ میلادی، در شهر پشاور با زندگی وداع گفت و در قریه باغبانی ولسوالی سرخورد ولایت ننگرهار به خاک سپرده شد.

د پاپو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

عبدالرحمن پژواک زندگی کاری اش را از انجمن تأریخ آغاز کرد، بعد در ریاست مستقل مطبوعات مصروف کار شد. مدتی مدیر مسؤول روزنامه اصلاح و بعد ها مقام ریاست «د باختر آژانس» را که خودش یکی از مؤسسين آن بود، به عهده گرفت سپس ریاست پشتو تولنه را به عهده داشت.

عبدالرحمن پژواک در ایام وظائفش در ادارات مختلف مطبوعاتی و فرهنگی، به اصل آزادی بیان وفادار ماند. استاد پژواک در سازمان های «یونسکو»، «حقوق بشر»، «یونیسف» و غیره نهاد های بین المللی ار کشورش افغانستان به عالی ترین وجه نمایندگی کرده است.

پژواک در سال ۱۹۴۶ میلادی به دنیای سیاست قدم گذاشت و به عنوان مشاور سفارت افغانستان در امور خبری و فرهنگی در انگلستان و اضلاع متحده امریکا منصوب شد. در سال ۱۹۵۱ او کارمند وزارت امور خارجه شد پس از فعالیت های درخشان و متمر در زمان سلطنت اعلیحضرت محمد ظاهر شاه "پادشاه افغانستان" به رتبه سفیر کبیر به حیث نماینده دائمی افغانستان در سازمان ملل متحد منصوب گردید و به اثر لیاقت و درایت در امور اداری و دیپلوماسی توانست در سازمان ملل متحد به پژواک ملت افغان مبدل گردد. وی در پیوستن افغانستان به اعلامیه حقوق بشر و تحرک عدم انسلاک در عرصه بین المللی نقش برارنده ای را ایفا نمود. زمانی به اثر درخشش هایش در سازمان ملل از طرف گنجره عمومی سازمان مذکور به حیث "رئیس مجمع عمومی سازمان ملل متحد انتخاب گردید که افتخار بزرگی به وطن و طندارانش نصیب شد.

وی در آلمان، هند و انگلستان به حیث سفیر اعلیحضرت پادشاه افغانستان مصدر بزرگترین خدمات در راه جلب توجه این کشور ها ب سوی کمک به افغانستان در همه ساحات شده است.

پژواک در سال ۱۹۷۸ بعد از کودتای ویرانگر کمونیستی در کابل و عدم موافقت با نظام کمونیستی به افغانستان بازگشت. پس از بازگشت به افغانستان او در نظر بند خانگی بسر برد و تنها در سال ۱۹۸۲م به دلیل بیماری اجازه خروج از کشور را یافت و تا سال ۱۹۹۱ در اضلاع متحده امریکا حیات بسر برد و پس از آن در شهر پیشاور پاکستان سکونت نمود.

استاد پژواک، یک تن از مبتکرین و مؤسسين حق تعیین سرنوشت ملت هاست که به آن «حق خود ارادیت» گفته می شود که در اثر تلاش های استاد پژواک به حیث حق مسلم ملت ها در منشور سازمان ملل قید شده است. این افتخار بزرگ او و مردم افغانستان را شما می توانید در لینکی که در پایان این معروضه ثبت شده است ببینید، بخوانید و حظ ببرید.

از استاد عبدالرحمن پژواک کتب و آثار زیاد به نشر رسیده است که عبارتند از: "بانوی بلخ"، "حماسه ناهید نامه"، "گل های اندیشه"، "افسانه های مردم"، "مردان پاراپامیزاد"، "یک زن"، "آواره"، "گل های کوهی"، "ترجمه پیامبر خلیل جبران"، "ترجه اشعار تاگور"، "الماس ناشکن" و ده ها اثر دیگر.

استاد عبدالرحمن پژواک مرد آزاده ای از تبار آزادگان و باورمند به اندیشه های انسان بود که اینک با گذشت بیست سال از خموشی وی کلام و اندیشه آزاد و انسانی اش همچنان زنده و باقیست.

استاد عبدالرحمن پژواک شاعر توانای افغان در پاسخ به سروده ذیل از علامه "اقبال لاهوری" چنین می گوید:

د پانو شمیره: له ۲ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکنی د لیکنيزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

عشق است امام من عقل است غلام من
این کوکب شام من این ماه تمام من
مستانه نوا ها زد در حلقه دام من
مرگست دوام تو عشق است دوام من
این است مقام او دریاب مقام من

من بنده آزادم عشق است امام من
هنگامه این محفل از گردش جام من
جان در عدم آسوده بی ذوق تمنا بود
ای عالم رنگ و بو این صحبت ما تا چند
پیدا به ضمیرم او پنهان به ضمیرم او

اقبال لاهوری

بادار ندارم من، کس نیست غلام من
رو سوی دل آوردم، آنجاست مقام من
بر سینه نهادن دست، نبود به قیام من
محتاج به ساقی نیست، پر بودن جام من
بر جبهه هر کوکب، ثبت است دوام من
بر عارف دیوانه، بفرست سلام من
اندیشه من پخته، در فطرت خام من
من بنده آزادم، کس نیست امام من
پژواک " جوانان را، این است پیام من

من مقتدای خویشم، کس نیست امام من
از روی و ریا رستم، تا قبله خود هستم
آداب رکوع من، خم کردن زانو نیست
من چشمه خورشیدم، نه ماه فروغ اندوز
چون ثابت و سیاره، بر جایم و آواره
با عابد فرزانه، از دور اشارت کن
ایکاش نمی بودم، انسان که نمی گردید
اقبال " غلامی بود، در بند امامی بود
پژواک ندای خود، هستم نه صدای غیر

عبدالرحمن پژواک

منابع:

- نشرات رادیو آزادی
- سایت سازمان ملل متحد که شما خواننده عزیز می توانید سوانح مکمل و کارکرد های مهم داخلی و بین المللی پژواک بزرگ را به کمک لینک آتی مطالعه فرمائید.

<http://www.un.org/ga/۵۵/president/bio۲۱.htm>

د پانو شمیره: له ۳ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ